

فصل اول: آفرینش

درس اول: معرفت آفریدگار

این همه خلق را که شما بینید بدین چندین بسیاری، این همه را خالق است که آفریدگار ایشان است و نعمت بر ایشان از وی است. آفریدگار را بیاید پرستیدن و بر نعمت او سپاس‌داری باید کردن.

این همه آفریده را که شما با این تعداد زیاد می‌بینید، همه‌ی آن‌ها آفریننده‌ای دارند که آن‌ها را به وجود آورده است و از طرف او به ایشان نعمت و روزی می‌رسد. [بنابراین] آفریدگار را باید پرستید و در برابر نعمت‌هایش، باید از او سپاس‌گزاری کرد.

عبارت شش جمله است: این همه خلق را بدین چندین بسیاری که شما بینید،^۱ این همه را خالق است.^۲ که آفریدگار ایشان است.^۳ و نعمت بر ایشان از وی است.^۴ آفریدگار را بیاید پرستیدن.^۵ و بر نعمت او سپاس‌داری باید کردن.^۶ این همه خلق: مفعول / شما: نهاد / بدین چندین بسیاری: قید / این همه را (برای این همه): متمم / خالق: نهاد / آفریدگار ایشان: مسند + مضاف‌الیه / نعمت: نهاد / ایشان: متمم / وی: متمم / آفریدگار: مفعول / نعمت او: متمم + مضاف‌الیه / سپاس‌داری: مفعول. / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): آفریدگار ایشان، نعمت او / هم‌خانواده: خلق و خالق / مترادف: خالق و آفریدگار.

اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر دل و غفلت از این و ناندیشیدن، تاریکی افزایش اندر دل و نادانی، گمراهی است.

«ابوعلی بلعمی، تاریخ بلعمی»

اندیشیدن درباره‌ی آفریدگار و مخلوقات، باعث افزایش نور دل انسان می‌شود و بی‌خبری و نیندیشیدن درباره‌ی آن، باعث تاریک شدن دل انسان می‌شود و نادانی، موجب گمراهی می‌گردد.

عبارت سه جمله است: اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، اندر دل روشنایی افزایش،^۱ و غفلت از این و ناندیشیدن، اندر دل تاریکی افزایش،^۲ و نادانی، گمراهی است.^۳ اندیشه کردن: نهاد / کار خالق و مخلوق: متمم + مضاف‌الیه / روشنایی: مفعول / دل: متمم / غفلت از این و ناندیشیدن: نهاد / تاریکی: مفعول / دل: متمم / نادانی: نهاد / گمراهی: مسند / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): کار خالق: [کار] مخلوق / هم‌خانواده: خالق و مخلوق / مترادف: غفلت و نادانی.

تضاد: روشنایی و تاریکی

ابوعلی بلعمی

قرن چهارم هجری

وی از بزرگان و نویسندگان تاریخ زبان و ادب فارسی بود. بلعمی روزگاری را به وزارت سامانیان سپری کرد. «ترجمه‌ی تاریخ طبری» و تألیف آن به زبان فارسی از آثار اوست.

باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید، ناله‌ی هر مرغ زار

باد بهاری از طرف چمنزار شروع به وزیدن کرد و دوباره، صدای هر پرنده‌ی آوازخوانی به آسمان بلند شد.

بیت دو جمله است: باد بهاری از طرف مرغزار وزید^۱ باز ناله‌ی هر مرغ زار به گردون رسید.^۲ باد بهاری: نهاد + صفت / طرف مرغزار: متمم + مضاف‌الیه / باز: قید / ناله‌ی هر مرغ زار: نهاد + مضاف‌الیه + صفت / گردون: متمم / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): طرف مرغزار، ناله‌ی هر مرغ / ترکیب‌های وصفی (موصوف و صفت): باد بهاری، مرغ زار.

تناسب معنایی (مراعات نظیر) ← بین واژگان بهار، مرغزار، مرغ

خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار

م (ای انسان) بلند شو و وزیدن باد بهاری و آوای خوش پرنده و بوی خوش لاله‌زار را غنیمت بشمار و از آن‌ها لذت ببر.

د بیت دو جمله است: خیز^۱ و جنبش باد ربیع، ناله‌ی موزون مرغ و بوی خوش لاله‌زار (را) غنیمت شمار.^۲ هر دو جمله امری است. / جنبش باد ربیع: مفعول + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه / ناله‌ی موزون مرغ: مفعول + صفت + مضاف‌الیه / بوی خوش لاله‌زار: مفعول + صفت + مضاف‌الیه / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): جنبش باد، باد ربیع، ناله‌ی مرغ، بوی لاله‌زار / ترکیب‌های وصفی (موصوف و صفت): ناله‌ی موزون، بوی خوش. / تناسب معنایی (مراعات نظیر) ⇨ بین واژگان باد ربیع، بوی خوش، لاله‌زار.

هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار

م همه‌ی گل‌ها و گیاهان که وجود دارند، خدا را یاد می‌کنند و آیا می‌دانی که پرندگانی مثل بلبل و قمری در آواز خود چه می‌گویند؟ خدا را یاد می‌کنند. / بیت چهار جمله است: هر گل و برگی که هست^۱ یاد خدا می‌کند. / بلبل و قمری چه خواند؟^۲ یاد خداوندگار (را خواند). / هر گل و برگی: نهاد / یاد خدا: مفعول + مضاف‌الیه / بلبل و قمری: نهاد / چه: مفعول / یاد خداوندگار: مفعول + مضاف‌الیه / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): یاد خدا، یاد خداوندگار. / شخصیت‌بخشی ⇨ گل و برگ و بلبل و قمری، همانند انسان، به یاد خداوند هستند و او را ستایش می‌کنند. / تناسب معنایی (مراعات نظیر) ⇨ بین واژگان گل و برگ، بلبل و قمری.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری‌ست، معرفت کردگار

«سعدی»

م در نظر انسان باهوش، هر برگ سبز یک درخت، به اندازه‌ی یک دفتر، اطلاعات و آگاهی برای شناختن خدا دارد. / بیت یک جمله است: برگ درختان سبز، هر ورقش، در نظر هوشیار، دفتری (از) معرفت کردگار است.^۱ / برگ درختان سبز: نهاد + مضاف‌الیه + صفت / هر ورقش: بدل + مضاف‌الیه / نظر هوشیار: متمم + مضاف‌الیه / دفتری: مسند / معرفت کردگار: متمم + مضاف‌الیه. / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): برگ درختان، نظر هوشیار، ورقش، معرفت کردگار / ترکیب‌های وصفی (موصوف و صفت): درختان سبز. / تشبیه: برگ درختان سبز به دفتر معرفت کردگار ⇨ از جهت این که می‌توان آن را مطالعه کرد.

شیخ مصلح‌الدین، سعدی

قرن هفتم هجری قمری



از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران در قرن هفتم است. «بوستان» (به شعر) و «گلستان» (به نثر همراه شعر) و «دیوان اشعار» از او بر جای مانده است. مجموعه‌ی این آثار «کلیات سعدی» نامیده می‌شود. او آموزش‌های مقدماتی خود را در زادگاه خود، شیراز، فراگرفت و برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت. سعدی پس از ۳۵ سال به شیراز برگشت. کتاب «گلستان» او به نظم و نثر، حاصل تجربیات او در این سفرهاست. از آثار دیگر او می‌توان «بوستان» را نام برد که در نوع خود بی‌نظیر است. این کتاب به شعر و در موضوعات، اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات است.

واژه‌شناسی

فکرت: اندیشه، تفکر / برافروختن: روشن کردن / فضل: احسان، بخشش / دو عالم: جهان هستی و آخرت / فیض: بخشش، عطا / گلشن: گلستان / فروغ: نور، پرتو، روشنایی / حق: خداوند / تاب: توانایی، طاقت، تحمل / تجلی: پیداشدن، روشن شدن / تعالی: بلندمرتبه، برتر / خلق: (در این درس) آفریده و مخلوق / خالق: آفریننده، خلق‌کننده / سپاس‌داری: سپاس‌گزاری و شکرگزاری / مخلوق: آفریده و خلق‌شده / غفلت: بی‌خبری، نادانی / مرغزار: چمن‌زار، سبزه‌زار / گردون: آسمان / مرغ: پرنده / ناله: آواز / زار: نالان، آوازخوان / غنیمت: آن‌چه به دست آید، سود، فرصت مناسب / ربیع: بهار / موزون: دارای وزن و آهنگ، سنجیده / قمری: پرندۀ ای خاکستری‌رنگ و کوچک‌تر از کبوتر / فارغ: آسوده‌و راحت / حک کردن: کندن شکل یا نوشته روی سنگ و فلز / صخره: تخته‌سنگ بزرگ / مشاجره: با هم نزاع و دعواکردن

درس دوم: پنجره‌های شناخت

بخوان و حفظ کن: ای مادر عزیز

ای مادر عزیز که جانم فدای تو باد، قربان مهربانی و لطف و صفای تو

م ای مادر عزیز که جان من فدای تو باد، جان من قربان مهربانی، محبت و پاکی تو بشود.

د بیت سه جمله است: ای مادر عزیز^۱ که جانم فدای تو (باد).^۲ (من) قربان مهربانی و لطف و صفای تو (بگردم).^۳ جمله‌ی اول مناداست. جمله‌های دوم و سوم، هر دو از جملات عاطفی و از نوع «دعایی» است. / مادر عزیز: منادا + صفت / جانم: نهاد + مضاف‌الیه / فدای تو: مسند + مضاف‌الیه / قربان مهربانی و لطف و صفای تو: مسند + مضاف‌الیه و ... / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): جانم، فدای تو، قربان مهربانی، مهربانی تو، لطف تو، صفای تو.

ف تناسب معنایی (مراعات نظیر) ← بین واژگان مهربانی، لطف و صفا

هرگز نشد محبت یاران و دوستان همپایه‌ی محبت و مهر و وفای تو

م ای مادر، هرگز عشق و محبت یاران و دوستان با عشق و وفاداری تو برابری نمی‌کند.

د بیت یک جمله است: هرگز محبت یاران و دوستان، همپایه‌ی محبت و مهر و وفای تو نشد.^۱ / هرگز: قید / محبت یاران و دوستان: نهاد + مضاف‌الیه و مضاف‌الیه / همپایه‌ی محبت و مهر و وفای تو: مسند + مضاف‌الیه و مضاف‌الیه و مضاف‌الیه. / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): محبت یاران و دوستان، همپایه‌ی محبت، وفای تو.

ف تناسب معنایی (مراعات نظیر) ← بین واژگان محبت، مهر و وفا، هم‌چنین، یاران و دوستان.

مهرت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست این خانه، خانه‌ی تو و این دل، سرای تو

م مهر و علاقه‌ی تو از دل من بیرون نمی‌رود، زیرا سینه‌ی من خانه‌ی تو است و دل من جایگاه وجود توست.

د بیت سه جمله است: مهرت از سینه‌ام برون نمی‌رود.^۱ که این خانه، خانه‌ی تو هست.^۲ و این دل سرای تو (هست).^۳ / مهرت: نهاد + مضاف‌الیه / سینه‌ام: متمم + مضاف‌الیه / برون: قید / این خانه: نهاد / خانه‌ی تو: مسند + مضاف‌الیه / این دل: نهاد / سرای تو: مسند + مضاف‌الیه / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): مهرت، سینه‌ام، خانه‌ی تو، سرای تو / مترادف: خانه و سرا.

ف تشبیه: سینه‌ی شاعر به خانه ← از جهت این که قابل سکونت است / دل شاعر به سرا ← از جهت قابل سکونت بودن.

ای مادر عزیز که جان داده‌ای مرا سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو

م ای مادر عزیز که به من جان بخشیده‌ای، اکنون برای من بسیار آسان است که جانم را فدای تو کنم.

د بیت چهار جمله است: ای مادر عزیز^۱ که به من (مرا) جان داده‌ای.^۲ اکنون برای من سهل است.^۳ که برای تو جان دهم.^۴ / مادر عزیز: منادا + صفت / جان: مفعول / من (مرا): متمم / سهل: مسند / جان: مفعول / اکنون: قید / تو: متمم. / ترکیب‌های وصفی (موصوف و صفت): مادر عزیز.

ف «جان دادن» در دو مصراع، معنی متضادی دارد؛ در مصراع نخست در معنی «زنده‌گرداندن» و در مصراع دوم در معنی «مردن» به کار رفته است.

خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است زیرا بود رضای خدا در رضای تو

م اگر تو راضی و خشنود باشی، باعث خشنودی و رضایت من نیز هست، زیرا خشنودی خداوند (از من) هم، در رضایت و خشنودی توست.

د بیت دو جمله است: خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است.^۱ زیرا رضای خدا در رضای تو بود.^۲ / خشنودی تو: نهاد + مضاف‌الیه / مایه‌ی خشنودی من: مسند + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه / رضای خدا: نهاد + مضاف‌الیه / رضای تو: متمم + مضاف‌الیه / مترادف: خشنودی و رضا / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): خشنودی تو، مایه‌ی خشنودی، خشنودی من، رضای خدا، رضای تو.

ف تکرار: خشنودی و رضا

گر بود اختیار جهانی به دست من می‌ریختم تمام جهان را به پای تو
«ابوالقاسم فالت»

اگر اختیار دنیا در دست من بود، (بی‌تردید) همه‌ی جهان را به پای تو می‌ریختم.

بیت دو جمله است: گر اختیار جهانی به دست من بود. ^۱ تمام جهان را به پای تو می‌ریختم. ^۲ / اختیار جهانی: نهاد + مضاف‌الیه / دست من: متمم + مضاف‌الیه / تمام جهان: مفعول + مضاف‌الیه / پای تو: متمم + مضاف‌الیه / ترکیب‌های اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): اختیار جهانی، دست من، تمام جهان، پای تو. / کنایه: به پای کسی ریختن، کنایه از فداکردن و نثارکردن است.

ابوالقاسم حالت

۱۳۷۱ - ۱۲۹۸ ه. ش

شاعر، مترجم و محقق توانای معاصر است. وی از سال ۱۳۱۴ به شعر و شاعری روی آورد؛ در زمینه‌ی موسیقی اصیل ایرانی نیز فعالیت داشت و سراینده‌ی نخستین سرود جمهوری اسلامی ایران بود. از وی آثار ادبی و فرهنگی فراوانی در زمینه‌ی طنز، شعر، ادبیات و ترجمه باقی است. «دیوان حالت» از جمله آثار اوست که این اثر نمایانگر عمق دانش ادبی وی است.

واژه‌شناسی

عجله: شتاب، تندی / **درنگ:** توقف، سکون، آهستگی / **دریافت:** فهمیدن، درک کردن / **دقایق:** جمع دقیقه / **سپری شدن:** تمام شدن، گذشتن، به سر رسیدن / **اعضا:** جمع عضو، افراد یک گروه / **شباهت:** همانندی / **بر این باورند:** معتقدند، ایمان دارند / **رعایت:** توجه، مراقبت / **احسان:** نیکی / **دیدگاه:** نظر، اندیشه / **نمایان:** آشکار / **صفا:** پاکی / **سهل:** آسان / **رضا:** خشنودی، رضایت / **أمثال:** همانندان، جمع مثل / **طَمَع:** حریص شدن، آزمندی / **حواسم جمع است:** بسیار مراقبم

درس دوم: پنجره‌های شناخت

واژگان هم خانواده

دقت	↔	دقیق، دقایق، دقیقه	صفا	↔	تصفیه، صافی، مصطفی
عجله	↔	تعجیل، عَجول	سهل	↔	سهولت، تساهل، اسهال
وظیفه	↔	وظایف (جمع وظیفه)، موظف	رضا	↔	رضایت، مرتضی، راضی، مرضیه
شباهت	↔	شبیبه، اشتباه، مشابه، تشابه	آمثال	↔	مثال، تمثیل، مثل
رعایت	↔	مراعات، رعیت، رعایا	مغرور	↔	غرور
مشاهده	↔	شاهد، شهود، شهید، شهادت، مشهد	زحمت	↔	مزاحمت، زحمت (جمع زحمت)، مزاحم
احسان	↔	حسن، محاسن، تحسین	قسمت	↔	قسم، اقسام، مقسوم، تقسیم
بحث	↔	مباحث، مبحث، مباحثه	غفلت	↔	غافل، تغافل، اغفال
انتها	↔	منتها، نهایت، نهایی			

رابطه‌ی معنایی واژگان (مترادف و متضاد)

معلم □ آموزگار □ دقت □ توجه □ واژه □ کلمه، لغت □ خلق □ مردم □ خلقت □ آفرینش □ خالق □ آفریدگار □ عجله □ شتاب □ لازم □ بایسته، ضروری □ درنگ □ تأمل، توقف، اندیشه □ آرام □ سکون، قرار □ فهم □ دریافت، دانستن □ ارتباط □ پیوند □ دقایق □ لحظات □ سپری □ تمام □ ابتدا □ آغاز □ یکسان □ یک‌شکل □ شباهت □ همانندی □ معنا □ مفهوم □ آغاز □ شروع □ تفاوت □ گوناگونی □ وظیفه □ مسئولیت □ ترتیب □ نظم □ شناخت □ معرفت □ سرانجام □ عاقبت □ ایمان □ باور، اعتقاد □ اجازه □ فرصت □ پدیده □ مخلوق، آفریده □ اشیا □ چیزها □ نیکو □ خوب، خوش □ رفتار □ منش، کردار □ پسندیده □ مطلوب □ رعایت □ حفظ، پاس‌داشت □ پایبند □ مقید □ دیدگاه □ نظر □ نتیجه‌گیری □ استنتاج □ تکیه □ اعتماد □ خودبینی □ تکبر □ پیشه □ شغل □ انتها □ پایان، آخر □ شگفت‌زده □ متعجب □ جالب □ جذاب □ بیان □ گفتن □ نمایندگی □ نیابت □ ارزش □ قدر □ مفید □ سودمند □ نمایان □ آشکار □ تماشا □ ملاحظه □ آگاهی □ شناخت □ تلاش □ سعی، کوشش □ کشف □ یافتن □ دقیق □ بادقت □ عزیز □ گرمی، ارجمند □ فدا □ قربان □ صفا □ پاکی □ همپایه □ برابر □ مهر □ محبت □ خانه □ سرا □ سهل □ آسان □ خشنودی □ رضایت □ رضا □ خشنودی □ باهوش □ زیرک □ دام □ تله □ امثال □ همانندان □ زحمت □ تلاش، رنج □ فریب □ نیرنگ □ مواظب □ مراقب □ مغرور □ فریفته، خودپسند □ طمع □ حرص □ آسوده □ فارغ، راحت □ قسمت □ سرنوشت □ تنبل □ راحت‌طلب □ خطاکار □ گناهکار □ خطا □ اشتباه، گناه □ بهانه □ دست‌آویز □ اشتباه □ خطا، غلط □ غفلت □ بی‌خبری

مترادف

دقت □ بی‌توجهی، غفلت □ عجله □ درنگ، صبر □ درنگ □ شتاب، عجله □ آرام □ بی‌قرار □ شباهت □ تفاوت □ ابتدا □ انتها □ آغاز □ انجام □ ایمان □ کفر □ پسندیده □ ناپسند □ پایبند □ بی‌قید □ خودبینی □ تواضع، فروتنی □ زیبایی □ زشتی □ مفید □ مضر □ صفا □ کدورت □ سهل □ صعب، دشوار □ خشنودی □ ناخشنودی □ نارضایتی □ ساده □ زیرک، هوشمند □ بیهوده □ سودمند □ محکم □ سست □ بیهوش □ هشیار □ گرفتار □ آزاد، رها □ خوش‌آواز □ بدصدا □ تنبل □ پُرکار

متضاد

واژگان مهم املائی

خلقت - عجله - دقایق - سپری - اعضا - شباهت - نقطه‌ی آغاز - تفاوت - برخاست - وظیفه - رعایت - محبت - ارتباط - انتها - موضوع - نهراسیم - لطف و صفا - سهل - مایه‌ی خشنودی - باهوش - بیفتم - مواظب - مغرور - می‌افتند - حواس - طمع دانه - بهانه - اشتباه

درس دوم: پنجره‌های شناخت

دانش‌های زبانی و ادبی

واژگان هم‌خانواده

به کلمه‌های زیر و معانی مقابل آن‌ها توجه کنید:

علم: دانستن عالم: کسی که می‌داند. معلوم: چیزی که دانسته شده تعلّم: داناشدن
تعلیم: به کسی دانایی بخشیدن علوم: دانایی‌ها علامه: بسیار دانا معلّم: کسی که دانایی می‌دهد.

کلمه‌های بالا، سه حرف مشترک دارند: «ع ل م». به علاوه، اگر به معنی آن‌ها نگاه کنیم، ارتباط معنایی بسیاری بین آن‌ها برقرار است. علت این است که کلمه‌های بالا، همگی از یک ریشه‌اند و نشانه‌ی هم‌ریشگی آن‌ها نیز، همانندِیِ حرف‌های اصلی‌شان است. به این دسته از کلمه‌ها «هم‌خانواده» می‌گویند. به نمونه‌های دیگری از این هم‌خانواده‌ها توجه کنید:

شاهد، شهید، مشهد، شهادت، مشهود نصر، ناصر، نصیر، منصور، أنصار، نصرت
کتاب، کُتُب، کاتب، مکتوب، مکاتبه، مکتب، مکاتب خلق، خالق، مخلوق، اخلاق، خلاق
عارف، معروف، عرفان، معرفت، تعریف، معارف، عُرف، تعارف قبل، قابل، مقبول، قبیل، تقبّل، استقبال، تقابل، مقابله، قبّال
در کلمه‌های فارسی، هم‌خانواده به دسته کلمه‌هایی گفته می‌شود که یک جزء معنی‌دار مشترک داشته باشند.
این جزء معنی‌دار ممکن است بن یا ریشه‌ی فعل باشد:

خوراک، خورش، خوردن، پُرخور، خورنده، نان‌خور، خورده پوشش، پوشه، پوشاک، پوشیدن، پوشنده، پوشیده، درپوش، پاپوش
ممكن است از ریشه‌ی فعل نباشد:

کارمند، کارگر، پرکار، بیکار، کاردان، کارمزد

دانستن هم‌خانواده‌های کلمه‌ها، علاوه بر بالابردن مهارت املا، به ما کمک می‌کند تا معانی واژگان را بهتر دریابیم.

نهاد و فعل

در درس پیشین درباره‌ی جمله چیزهایی آموختید. این که هر جمله از دو قسمت اصلی تشکیل شده است: نهاد و گزاره. محلّ قرار گرفتن نهاد در ابتدای جمله و گزاره پس از آن است. به علاوه دانستیم که اصلی‌ترین عضو گزاره «فعل» است و فعل همیشه در پایان جمله می‌آید؛

مثلاً: پیرزن نخ‌های تور را پاره کرد.
نهاد فعل

گاهی نهاد از جمله حذف می‌شود؛ مثلاً: آخر به طمّع دانه خودت را گرفتار کردی.
فعل

به راحتی می‌توان دریافت که نهاد جمله «تو» است. این را از روی شخص فعل می‌توانیم بفهمیم؛ زیرا شخص فعل با شخص نهاد باید مطابقت داشته باشد. بنابراین:

من آخر به طمّع دانه خودم را گرفتار کردم. ما آخر به طمّع دانه خودمان را گرفتار کردیم.
تو آخر به طمّع دانه خودت را گرفتار کردی. شما آخر به طمّع دانه خودتان را گرفتار کردید.
او آخر به طمّع دانه خودش را گرفتار کرد. ایشان آخر به طمّع دانه خودشان را گرفتار کردند.

نکته ۱ گاهی برای احترام، نهاد مفرد را با فعل جمع به کار می‌برند؛ مثلاً:

پیامبر (ص) نیکی به دیگران را بسیار سفارش کرده‌اند. آقای مدیر پس از یک هفته از مأموریت برگشتند.
 نهاد مفرد فعل جمع نهاد مفرد فعل جمع

نکته ۲ اگر نهاد غیرجاندار باشد، بهتر است فعل آن را مفرد به کار ببریم؛ مثلاً:

نمایش‌های شیرین و کودکانه اجرا می‌شد. تخته‌سیاه‌ها با تصاویر علمی، شکل‌های هندسی و خط‌های زیبا آرایش می‌یافت.
 نهاد جمع فعل مفرد نهاد جمع فعل مفرد

پرسش‌های دانش‌های زبانی و ادبی

پرسش‌های تکوینی

الف در جای نقطه‌چین‌ها کلمه‌های هم‌خانواده بنویسید.

- | | | | |
|-------------|------------|-------------|-----------|
| ۱- طمع: | ۲- فضل: | ۳- فیض: | ۴- تجلی: |
| ۵- غفلت: | ۶- غنیمت: | ۷- موزون: | ۸- شباهت: |
| ۹- تفاوت: | ۱۰- رعایت: | ۱۱- بحث: | ۱۲- تفکر: |
| ۱۳- سهل: | ۱۴- محبت: | ۱۵- رضا: | ۱۶- زحمت: |
| ۱۷- هلاک: | ۱۸- عرض: | ۱۹- تلفظ: | ۲۰- محقق: |
| ۲۱- تحمیلی: | ۲۲- مانع: | ۲۳- محاصره: | |

ب در جمله‌های زیر در جای نقطه‌چین‌ها، با توجه به معنی، نهاد مناسب بنویسید.

- از کوچ زمستانی خود باز می‌گردد.
- با همه‌ی گرفتاری‌ها، همه‌ی بدهی خود را پرداختند.
- امروز به دلایل زیاد، برگزار نمی‌شود.
- گریه را سر داد.
- کلمه‌ی عبور خود را فراموش کرده بودند.
- باید از خیر این موضوع بگذرید.
- این کتاب‌ها را به این‌جا آورده‌ایم.
- نگاه‌های پرمهرتان را از یاد نخواهند برد.
- بد نیست که بیشتر درباره‌ی آن مطالعه کنیم.
- به مناطق آزادشده از دست دشمن بازگشتند.

ب با توجه به نهاد و معنی، برای جمله‌های زیر فعل مناسب انتخاب کنید.

- باشگاه ورزشی به خاطر شلوغی تعطیل
- پزندگان در فصول سرد سال به مناطق گرم‌تر
- آن‌ها را با کارهای نسنجیده‌ات نگران
- از دیرکرد خود در انجام مسئولیت‌م عذر
- برای پیش‌گیری از آلودگی آب‌ها، زباله‌هایتان را در محل مناسب خالی
- انسان‌های زیادی را در زمان کارش از خطر نجات
- مردم، شما را به خاطر مهربانی‌هایتان از یاد
- در سال جدید برای همه‌ی شما از صمیم قلبم آرزوی سلامتی
- تشویق‌های آن‌ها را هیچ‌گاه در زندگیتان از یاد
- آب‌وهوای شهرهای شمالی مرطوب

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- واژگان کدام گزینه هم‌خانواده است؟

- (۱) نظم و انضباط (۲) شکوه و شوکت (۳) طمع و طعمه (۴) مقصود و اقتصاد

۲- در کدام گزینه کلمه‌ی غیرهم‌خانواده وجود دارد؟

- (۱) تبعید، بعید، معبود (۲) انتقال، منتقل، نقلیه (۳) تألیف، مؤلف، آلف (۴) حاجت، احتیاج، محتاج

۳- در کدام بیت کلمه‌های هم‌خانواده وجود دارد؟

- (۱) آن شاخ که سر برکشد و میوه نیارد
 (۲) از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل
 (۳) کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی
 (۴) خندید برو شعله که از دست که نالی
- فرجام به جز سوختنش نیست سزاوار
 کردار نکو کن، که نه سودی است ز گفتار
 از تیشه‌ی هیزم‌شکن و ازه‌ی نجار
 ناچیزی تو کرد بدین‌گونه تو را خوار

۴- فعل‌های کدام گزینه، به ترتیب مناسب جاهای خالی در عبارت زیر است؟

«دریاقلی در آن شب پاییزی، فرزند خردسال خود را در نزدیکی سایه‌هایی که در سیاهی شب خود را برای حمله‌ای وحشیانه به آبادان آماده تنها».

- (۱) داشت، می‌کرد، گذاشت (۲) داشتند، می‌کرد، گذاشتند (۳) داشتند، می‌کردند، گذاشت (۴) داشتند، می‌کردند، گذاشتند

۵- کدام گزینه نهاد مناسبی برای جمله‌ی زیر نیست؟

«..... در همان زمان به فراگرفتن زبان فرانسوی پرداخت.»

- (۱) دوستم (۲) مردم (۳) دهخدا (۴) پدرشان

۶- در کدام گزینه کلمه‌ای هم‌خانواده با کلمه‌های گزینه‌های دیگر نیست؟

- (۱) عجب داری از لطف پروردگار
 (۲) انگشتِ تعجبِ جهانی
 (۳) سراسر قصه‌ی عالم عجیب است
 (۴) نغمه‌ی مرغان سحرخیز را
- که باشد گنهکاری آمیدوار
 از گفت و شنید ما به دندان
 مرا بیماری از بهر طبیب است
 معجزه‌ی ابر گهرریز را

۷- کدام گزینه از جهت مطابقت نهاد و فعل درست است؟

- (۱) یکی از بچه‌ها لبخندی زدند.
 (۲) با واردشدن من به کلاس، همه با تعجب نگاه کردم.
 (۳) صدای همهمه‌ی بچه‌ها مدرسه را پر کرده بود.
 (۴) اما مهدی علاقه‌ی زیادی به درس‌خواندن نشان نمی‌دادم.

۸- کدام دو کلمه هم‌خانواده نیست؟

- (۱) مُبصر و صبور (۲) منتظر و نظارت (۳) فجر و انفجار (۴) مشاورت و شورا

۹- کدام دو کلمه هم‌خانواده است؟

- (۱) محنت و محبت (۲) تسلی و سلامت (۳) لایق و ملاقات (۴) وصیت و توصیه

۱۰- در کدام بیت دو کلمه‌ی هم‌خانواده به کار نرفته است؟

- (۱) از زلف تو حل نمی‌توان کرد
 (۲) پیران نورپاش فلک را گه سجود
 (۳) قاف با قدر توست نقطه‌ی قاف
 (۴) احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش
- یک شکل ز صد هزار اشکال
 خاکِ در تو مسجدِ حاجت‌روا شده
 قافیه بهر تو چرا گوید؟
 حملِ کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست

۱۱- در کدام گزینه نهاد جمله حذف شده است؟

- (۱) در همه‌ی جوامع بشری، فداکاری چنین انسان‌هایی را ارج می‌نهد.
- (۲) این سرزمین در هر روزگاری، پهلوانان و نام‌آوران بی‌شماری را در خود پرورانده است.
- (۳) در نخستین ماه‌های جنگ تحمیلی، او با فداکاری شگفت‌انگیز خود، مانع سقوط شهر آبادان شد.
- (۴) در همین نبرد، دریاقلی به شدت زخمی شد و در راه انتقال به پشت جبهه به شهادت رسید.

۱۲- در کدام گزینه قسمت مشخص شده «نهاد» است؟

- (۱) بهمینار این حرف‌ها را بارها به بوعلی گفته بود.
- (۲) استاد تو در طب منم.
- (۳) ناگهان در این هنگام صدای دلنشینی از بیرون به گوش رسید.
- (۴) پس از چند جمله مناجات، صدای اذان بلند شد.

۱۳- در کدام گزینه قسمت مشخص شده «نهاد» نیست؟

- (۱) مشاورت کردن در کارها از قوی‌رایی مردم باشد و از تمام‌عقلی و پیش‌بینی.
- (۲) تدبیر ده‌تنه چون زور ده‌مرده باشد.
- (۳) این همه فضیلت و معجزات او را بود.
- (۴) هیچ شغلی بی‌مشورت نیکو نیاید.

۱۴- در کدام گزینه نهاد جمله حذف شده است؟

- (۱) حالا خیابان‌ها خلوت شده بود.
- (۲) آن روز حالت عجیبی داشتم.
- (۳) دیگر از بچه مدرسه‌ای‌ها خبری نبود.
- (۴) روز سوم و چهارم هم همین‌طور گذشت.

۱۵- با توجه به عبارت زیر، کدام گزینه «نهادهای حذف‌نشده» را نشان می‌دهد؟

«رستم بار دیگر در چشمه شست‌وشو می‌کند، آن‌گاه با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد و او را سپاس می‌گزارد و بدین‌سان خان سوم به پایان می‌رسد.»

- (۱) رستم، خان سوم (۲) رستم، خدای خود (۳) او، خان سوم (۴) خدای خود، او

۱۶- در کدام گزینه، کلمه‌ی اول بیت، «نهاد» نیست؟

- | | |
|------------------------------|--------------------------|
| (۱) شب ز اسرار علی آگاه است | دل شب محرم سرّ الله است |
| (۲) فجر تا سینه‌ی آفاق شکافت | چشم بیدار علی خفته نیافت |
| (۳) دست در دامن مولا زد، در | که علی بگذر و از ما مگذر |
| (۴) شب‌روان مست ولای تو علی | جان عالم به فدای تو علی |

۱۷- در میان کلمه‌های زیر، چند جفت کلمه‌ی هم‌خانواده یافت می‌شود؟

«حاضر - حاجت - فارغ - ارتباط - مراقبت - تمسخر - نظیر - فروغ - مرغوب - مرتب - صخره - احضار - حاجی - غریب»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۸- در کدام گزینه هم‌خانواده‌ی یکی از واژگان «تحمیلی - حفظ - سقوط - محقق» به کار نرفته است؟

- (۱) هر که نامهربان بود یارش
 - (۲) گفتم از قسطِ قرض کم سازم
 - (۳) فقر ظاهر مبین که حافظ را
 - (۴) از فکر تو بردم حقایق
- واجب است احتمال آزارش
ماه دیگر عوض بپردازم
سینه گنجینه‌ی محبت اوست
چونان که ز بوستان، شقایق

۱۹- با توجه به عبارت زیر، کدام گزینه، نهادها را به درستی نشان می‌دهد؟

«برای بدرقه‌ی مهمان، پدر رفت. محمّد همان‌جا نشست و مشغول خواندن آن کتاب شده بود. آن چنان مشغول خواندن بود که نشنید شیخ هنگام رفتن به پدرش چه گفت.»

(۱) پدر، محمّد، پدرش (۲) شیخ، مهمان، پدرش

(۳) بدرقه، محمّد، شیخ (۴) پدر، محمّد، شیخ

۲۰- در کدام گزینه بین نهاد و فعل تناسب وجود دارد؟

(۱) محمّد نام عطار را قبلاً شنیده بودند.

(۲) شیخ لبخندی زد و گفت: همه‌ی ما جز اندکی نمی‌دانند.

(۳) مراقب محمّد باش؛ به خواست خدا، آینده‌ی درخشانی خواهند داشت.

(۴) همه از دانشمندان سرشناس و یک معّم در شهر خود بودند.

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

پاسخ پرسش‌های تکوینی

الف

۴- تجلّی: جلوه	۳- فیض: فیاض	۲- فضل: فاضل، فضیلت	۱- طمع: طماع
۸- شباهت: شبیه، اشتباه	۷- موزون: توازن	۶- غنیمت: مغتنم	۵- غفلت: غافل
۱۲- تفکّر: فکر، متفکر، افکار	۱۱- بحث: مبحث	۱۰- رعایت: مراعات	۹- تفاوت: متفاوت
۱۶- زحمت: مزاحم	۱۵- رضا: راضی	۱۴- محبّت: حبیب	۱۳- سهل: سهولت
۲۰- محقّق: حقیقت	۱۹- تلفّظ: ملفوظ، لفظ	۱۸- عرض: اعتراض	۱۷- هلاک: مهلکه
	۲۳- محاصره: حصار، محصور	۲۲- مانع: امتناع، ممنوع	۲۱- تحمیلی: حمل، احتمال

ب

- ۱- پرنده از کوچ زمستانی خود بازمی‌گردد.
- ۳- امروز به دلایل زیاد، مسابقه برگزار نمی‌شود.
- ۵- بچه‌ها کلمه‌ی عبور خود را فراموش کرده بودند.
- ۷- این کتاب‌ها را ما به این‌جا آورده‌ایم.
- ۹- بد نیست که من بیشتر درباره‌ی آن مطالعه کنم.
- ۲- با همه‌ی گرفتاری‌ها، آن‌ها، همه‌ی بدهی خود را پرداختند.
- ۴- کودک گریه را سر داد.
- ۶- شما باید از خیر این موضوع بگذرید.
- ۸- آن‌ها نگاه‌های پرمهرتان را از یاد نخواهند برد.
- ۱۰- مردم به مناطق آزادشده از دست دشمن بازگشتند.

ب

- ۱- باشگاه ورزشی به خاطر شلوغی تعطیل شد.
- ۳- آن‌ها را با کارهای نسنجیده‌ات نگران نکن.
- ۵- برای پیشگیری از آلودگی آب‌ها، زباله‌هایتان را در محلّ مناسب خالی کنید.
- ۷- مردم شما را به خاطر مهربانی‌هایتان از یاد نخواهند برد.
- ۹- تشویق‌های آن‌ها را هیچ‌گاه در زندگیتان از یاد نبرید.
- ۲- پزندگان در فصول سرد سال به مناطق گرم‌تر می‌روند.
- ۴- از دیرکرد خود در انجام مسئولیتم عذر می‌خواهم.
- ۶- انسان‌های زیادی را در زمان کارش از خطر نجات داده است.
- ۸- در سال جدید برای همه‌ی شما از صمیم قلبم آرزوی سلامتی می‌کنم.
- ۱۰- آبوهوای شهرهای شمالی مرطوب است.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه‌ی ۴ هر دو از ریشه‌ی (ق ص د) اند.
- ۲- گزینه‌ی ۱ در این گزینه «معبود» از ریشه‌ی (ع ب د) است و دو کلمه‌ی دیگر از ریشه‌ی (ب ع د).
- ۳- گزینه‌ی ۲ «گفته و گفتار» و «ناکرده و کردار».
- ۴- گزینه‌ی ۳ دریاقلی در آن شب پاییزی، فرزند خردسال خود را در نزدیکی سایه‌هایی که در سیاهی شب داشتند خود را برای حمله‌ای وحشیانه به آبادان آماده می‌کردند، تنها گذاشت.
- ۵- گزینه‌ی ۲ چون فعل جمله مفرد است، نهاد آن هم باید مفرد باشد. «مردم» با فعل جمع به کار می‌رود.
- ۶- گزینه‌ی ۴ واژگان «عجب»، «تعجب» و «عجیب» در گزینه‌های دیگر، هم‌خانواده‌اند.
- ۷- گزینه‌ی ۳ شکل درست جمله‌های دیگر: گزینه‌ی (۱): یکی از بچه‌ها لبخندی زد. گزینه‌ی (۲): با وارد شدن من به کلاس، همه با تعجب نگاه کردند. گزینه‌ی (۴): اما مهدی علاقه‌ی زیادی به درس خواندن نشان نمی‌داد.
- ۸- گزینه‌ی ۱ مبصر از ریشه‌ی (ب ص ر) است؛ ولی صبور از ریشه‌ی (ص ب ر).
- ۹- گزینه‌ی ۴ هر دو واژه از ریشه‌ی (و ص ی) هستند.
- ۱۰- گزینه‌ی ۳ واژگان هم‌خانواده در گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی (۱): شکل و اشکال، گزینه‌ی (۲): سجود و مسجد، گزینه‌ی (۴): احتمال و حمل.
- ۱۱- گزینه‌ی ۱ نهاد در گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی (۲): این سرزمین، گزینه‌ی (۳): او، گزینه‌ی (۴): دریاقلی.
- ۱۲- گزینه‌ی ۳ نهاد در گزینه‌های دیگر: «بهنیار»، «من» و «صدای اذان».
- ۱۳- گزینه‌ی ۳ نهاد این جمله «این همه فضیلت و معجزات» است.
- ۱۴- گزینه‌ی ۲ نهاد در گزینه‌های دیگر: خیابان‌ها، خبری، روز سوم و چهارم.
- ۱۵- گزینه‌ی ۱
- ۱۶- گزینه‌ی ۳ در این گزینه نهاد «در» است: در دست در دامن مولا زد.
- ۱۷- گزینه‌ی ۱ «حاضر» و «احضار» هم‌خانواده است.
- ۱۸- گزینه‌ی ۲ در گزینه‌های دیگر، احتمال با تحمیلی، حافظ با حفظ و محقق با حقایق هم‌خانواده است.
- ۱۹- گزینه‌ی ۴
- ۲۰- گزینه‌ی ۴ شکل درست و متناسب جمله‌های دیگر: گزینه‌ی (۱): محمد نام عطار را قبلاً شنیده بود. / گزینه‌ی (۲): شیخ لبخندی زد و گفت: همه‌ی ما جز اندکی نمی‌دانیم. / گزینه‌ی (۳): مراقب محمد باش؛ به خواست خدا، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت.

درس دوم: پنجره‌های شناخت

۱- واژگان کدام گزینه به ترتیب مناسب جاهای خالی در عبارت زیر نیست؟

«ما فکر می‌کنیم، ارزش هر چیز به اندازه‌ی نقش و عملکرد آن است؛ یعنی هر کس شخصیت خود را در رفتار و عمل خویش می‌کند.»

- (۱) مفید، نمایان (۲) ارزشمند، آشکار (۳) فایده، نشان (۴) سودمند، ظاهر

۲- در کدام گزینه کلمه‌ی اول بیت، «نهاد» است؟

- (۱) ای مادر عزیز که جانم فدای تو
 (۲) هرگز نشد محبت یاران و دوستان
 (۳) مهرت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست
 (۴) گر بود اختیار جهانی به دست من
- قربان مهربانی و لطف و صفای تو
 هم‌پایه‌ی محبت و مهر و وفای تو
 این خانه، خانه‌ی تو و این دل سرای تو
 می‌ریختم تمام جهان را به پای تو

۳- «ابوالقاسم حالت» چه چیز را با «محبت و مهر و وفای مادر» برابر نمی‌داند؟

- (۱) محبت دوستان (۲) جان فرزند (۳) خشنودی فرزند (۴) خشنودی خدا

۴- در کدام گزینه کلمه‌ی غیرهم‌خانواده وجود دارد؟

- (۱) خلق، خالق، خلقت (۲) احسان، تحسین، محسن (۳) آداب، مؤدب، تأدیب (۴) اشباح، مشابهت، تشبیه

۵- کدام گزینه از آثار «ابوالقاسم حالت» است؟

- (۱) خانه‌ای برای شب (۲) اولین سرود جمهوری اسلامی (۳) قصه‌های سار و سیب (۴) ترجمه‌ی تاریخ بلعمی

۶- در کدام گزینه واژگان مترادف وجود ندارد؟

- (۱) هرگز نشد محبت یاران و دوستان
 (۲) مهرت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست
 (۳) ای مادر عزیز که جان داده‌ای مرا
 (۴) خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است
- هم‌پایه‌ی محبت و مهر و وفای تو
 این خانه، خانه‌ی تو و این دل سرای تو
 سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
 زیرا بود رضای خدا در رضای تو

۷- در کدام گزینه، کلمه‌ی مشخص شده «نهاد» نیست؟

- (۱) دام و تور و تله را همیشه برای مرغ‌های زیبا و خوش‌آواز می‌گذارند. (۲) اما این گرفتاری از طمع نبود؛ قسمت و سرنوشت بود.
 (۳) تا نزدیک درخت آمد و دید دهد در دام افتاده است. (۴) قسمت و سرنوشت بهانه‌ی آدم‌های تنبل یا خطاکار است.

۸- در عبارت زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«پروانه از گروه ایمان برخوردار است و گفت: به راستی که هر کلمه رنگ و بویی دارد و مانند ما دانش‌آموزان کلاس، کلمات هم وظیفه‌ای را بر دوش دارند. اعضاء گروه بر این باورند که این چهار کلمه به ترتیب درستی به دنبال هم آمده‌اند؛ زیرا ما با شناخت خلق و خلقت، سرانجام به خالق همه‌ی این‌ها ایمان می‌آوریم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹- «ابوالقاسم حالت» چه چیز را در راه مادر آسان می‌داند؟

- (۱) جان‌فشانی (۲) سپاس‌گزاری (۳) ایثار تمام جهان (۴) خشنودی خدا

۱۰- کدام یک از روابط واژگانی را در میان کلمه‌های زیر می‌توان یافت؟

«طمع - امثال - عجله - رضا - سهل - صفا - نمایان - دیدگاه - احسان - رعایت - شباهت - اعضا - دقایق - دریافت - درنگ»

- (۱) هم‌خانوادگی (۲) مترادف (۳) تضاد (۴) مفرد و جمع

۱۱- عبارت «می‌ریختم تمام جهان را به پای تو» به چه معنی است؟

- (۱) به خاطر تو از تمام دنیا می‌گذشتم.
 (۲) تمام دنیا را فدای وجود تو می‌کردم.
 (۳) برای پایداری تو از همه‌ی دنیا می‌گذشتم.
 (۴) به خاطر تو با تمام جهان مقابله می‌کردم.

۱۲- چرا شاعر خشنودی مادر را باعث خشنودی خود می‌داند؟

- (۱) زیرا این موضوع باعث دلگرمی او می‌شود.
 (۲) چون بدین شکل، وظیفه‌اش را در برابر مادر انجام داده است.
 (۳) چون دعای مادر باعث سعادت‌مندی فرزند است.
 (۴) زیرا به این شکل، خدا نیز از او راضی خواهد بود.

۱۳- تعداد جمله‌ها در کدام گزینه بیشتر از بقیه است؟

- (۱) ای مادر عزیز که جانم فدای تو
 (۲) مه‌رت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست
 (۳) ای مادر عزیز که جان داده‌ای مرا
 (۴) خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است
- قربان مهربانی و لطف و صفای تو
 این خانه، خانه‌ی تو این دل سرای تو
 سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
 زیرا بود رضای خدا در رضای تو

۱۴- در کدام گزینه غلط املایی نیست؟

- (۱) اگر برای من است، زحمت بیهوده می‌کشند.
 (۲) من خیلی باهوش‌تر و زیرک‌تر از آن هستم که در دام بی‌افتم.
 (۳) پیرزن گفت در هر حال مواظب خودت باش و مغرور نباش.
 (۴) اما این گرفتاری از طمع نبود، قصمت و سرنوشت بود.

۱۵- کدام گزینه به معنی بیت زیر نزدیک‌تر است؟

- «مرغ زیرک که می‌رمید از دام
 (۱) طمع دانه کند مرغ که در دام افتد
 (۲) مرغ رمیده نشود زود رام
 (۳) مرغ ز دام جسته نیفتد دگر به دام
 (۴) مرغ اندر دام دانه کی خورزد؟»
- با همه زیرکی به دام افتاد
 ورنه در دام غم و غصه نیفتد عاقل
 دام ندیده است که افتد به دام
 صائب مرا به ملک جهان بازگشت نیست
 دانه چون زهر است در دام ار چَرَد

۱۶- چند ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) در عبارت زیر وجود دارد؟

«اکنون دیگر نوبت گروه «عمل» بود. تقریباً چهار گروه، نتیجه‌ی گفت‌وگوهای خود را بیان کرده بودند.»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۷- اگر اجزای بیت زیر را به ترتیب به صورت نثر بنویسیم، کلمه‌ی قبل از فعل، کدام گزینه است؟

- «هرگز نشد محبت یاران و دوستان
 (۱) هم‌پایه (۲) تو
 هم‌پایه‌ی محبت و مهر و وفای تو»
 (۳) محبت (۴) هرگز

۱۸- در کدام گزینه آرایه‌ی تشبیه وجود دارد؟

- (۱) ای مادر عزیز که جانم فدای تو
 (۲) مه‌رت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست
 (۳) ای مادر عزیز که جان داده‌ای مرا
 (۴) خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است
- قربان مهربانی و لطف و صفای تو
 این خانه، خانه‌ی تو و این دل سرای تو
 سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
 زیرا بود رضای خدا در رضای تو

۱۹- در کدام گزینه ترکیب وصفی (موصوف و صفت) وجود دارد؟

- (۱) هرگز نشد محبت یاران و دوستان
 (۲) مه‌رت برون نمی‌رود از سینه‌ام که هست
 (۳) ای مادر عزیز که جان داده‌ای مرا
 (۴) خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است
- هم‌پایه‌ی محبت و مهر و وفای تو
 این خانه، خانه‌ی تو این دل سرای تو
 سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
 زیرا بود رضای خدا در رضای تو

۲۰- در کدام گزینه هم‌خانواده‌ی هیچ‌یک از کلمه‌های روبه‌رو دیده نمی‌شود؟ «رعایت - شباهت - طمع - موفق»

- (۱) از خدا جوییم توفیق ادب
 (۲) چون کبوتر چرا نیاموزی
 (۳) نسبت روی خود به ماه مکن
 (۴) نگویم مراعات مردم مکن
- بی‌ادب محروم شد از لطف رب
 دوست را طعمه از دهان دادن؟
 نسبتی نیست، اشتباه مکن
 کرم پیش نامردمان گم مکن

آزمون جامع شماره‌ی «۲»

۱- شاعر در کدام گزینه به «نهایت لطف خدا» در مورد خود اشاره دارد؟

- (۱) ای نام تو روئیده به گلدان لبم
(۲) در مرحمت تو غوطه‌ور روز و شبم
(۳) در خاک طلب بذر دعا کاشته‌ام
(۴) باران اجابت تو را می‌طلبم

۲- کدام گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- «علم چندان که بیشتر خوانی
(۱) بارِ درخت علم ندانم به‌جز عمل
چون عمل در تو نیست نادانی»
(۲) چو کسبِ علم کردی در عمل کوش
با علم اگر عمل نکنی، شاخ بی‌بری
(۳) هم‌زبانی را نباید همدلی
که علم بی‌عمل، زهری است بی‌نوش
(۴) با علم اگر عمل برابر گردد
نیست علم بی‌عمل جز جاهلی
کام دو جهان تو را میسر گردد

۳- بیت زیر با مفهوم کدام گزینه ارتباط بیشتری دارد؟

- «پس از دشواری، آسانی است ناچار
(۱) برو کارگر باش و امیدوار
ولیکن آدمی را صبر باید»
(۲) گرت پایداری است در کارها
که از یأس جز مرگ ناید به بار
(۳) فردا که بر من و تو زد باد مهرگان
شود سهل پیش تو دشوارها
(۴) به دانش گرای و بدو شو بلند
آن‌گه شود پدید که نامرد و مرد کیست
چو خواهی که از بد نیابی گزند

۴- کدام گزینه با مفهوم کلی عبارت زیر از گلستان سعدی تناسب بیشتری دارد؟

«مُشک آن است که خود ببوید نه آن‌که عطر بگیرد. دانا چون طبله‌ی عطر است، خاموش و هنرنمای و نادان چو طبل غازی، بلندآواز و میان‌تهی.»

- (۱) هر چه که سروصدای بیشتری دارد خاصیت کم‌تری دارد.
(۲) ارزش هر چیزی در عمل مشخص می‌شود نه در حرف.
(۳) همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خویش به جمال.
(۴) از خود تعریف کردن نشانه‌ی خودخواهی و خودپسندی است.

۵- کدام معنی به بیت زیر نزدیک‌تر است؟

«اگرچه پیش خردمند خامشی ادب است ولی مصلحت آن به که در سخن کوشی»

- (۱) اگرچه سخن‌نگفتن در حضور دانایان بهتر است، ولی مصلحت تو در همین نصیحت است.
(۲) هر چند در نظر خردمندان سکوت نشانه‌ی ادب است، ولی اگر مصلحت دیدی، بهتر است سخن بگویی.
(۳) اگرچه برای خردمندان آرامش از هر چیزی برتر است، ولی سعی و کوشش در زندگی ارزش بیشتری دارد.
(۴) هر چند در محضر خردمندان ساکت بودن ادب به شمار می‌آید، ولی کوشش کن از سخنان ایشان مصلحت خود را بشناسی.

۶- در هیچ‌کدام از گزینه‌ها آرایه‌ی «تضاد» دیده نمی‌شود، به‌جز گزینه‌ی

- (۱) از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل؟
(۲) آسان گذرد گر شب و روز و مه و مه و سالت
(۳) هر آن کس که با تو نگوید درست
(۴) مکن دوستی با دروغ‌آزمای
کردار نکو کن، که نه سودی ست ز گفتار
روز عمل و مزد، بؤد کار تو دشوار
چنان دان که او دشمن جان توست
همان نیز با مرد ناپاک‌رای

۷- آرایه‌ی ادبی مشترک در بیت‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «نظر دوست، نادر کند سوی تو / چو در روی دشمن بود روی تو
روا دارد از دوست بیگانگی / که دشمن گزیند به هم‌خانگی
تو از دوست، گر عاقلی، برمگرد / که دشمن نیارد نگه در تو کرد»
- (۱) شخصیت‌بخشی (۲) تضاد (۳) تشبیه (۴) مبالغه

۸- در کدام گزینه از بیت‌های زیر از پروین اعتصامی تشبیه به کار نرفته است؟

- (۱) چون چهره‌ی صبح، شادمان باش / تا چند ملول می‌نشینی؟
(۲) چند دعوی کنی؟ به کار گرای / هیچ‌گه نیست گفته چون کردار
(۳) چو کار تو ز امروز مآند به فردا / چه کاری کنی چون به فردا نمایی؟
(۴) بگفت ای دوست، گردش‌های دوران / شما را هم کند چون ما پریشان

۹- در کدام گزینه «منادا» به کار نرفته است؟

- (۱) پیش شیخ زانو زد، بر دست او بوسه داد: «به من چیزی بیاموز، شیخ» چشمش به اشک نشست.
(۲) ممنون بر حصیر زانو زد، پیش شیخ کتاب در کنار نهاد: «بخوان شیخ، چه می‌خواندی؟»
(۳) این کودکان امروزشان با خلق خوش تو گوارا می‌شود. شیخ، این مکتب «فلک» ندارد.
(۴) شیخ، آرام و اشک در چشم گفت: «این‌جا گنجشکان هم درس می‌آموزند. چوب و فلک راه و روش آنان نیست.»

۱۰- نوع کدام ترکیب با بقیه تفاوت دارد؟

- (۱) مذلت خدمت (۲) آهن تفته
(۳) مشقت کارکردن (۴) خدمت سلطان

۱۱- ساختمان کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) سهمگین (۲) شرمگین (۳) ننگین (۴) خشمگین

۱۲- در کدام یک از ضرب‌المثل‌های زیر «مسند» وجود ندارد؟

- (۱) نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.
(۲) شب دراز است و قلندر بیدار.
(۳) ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.
(۴) دشمن نتوان کوچک و بیچاره شمرد.

۱۳- بر پایه‌ی واژه‌نامه‌ی کتاب درسی، «حسرت، مایل و پیروزی»، به ترتیب با «دریغ، راغب و غلبه» مترادف‌اند. این سه واژه‌ی مترادف، دارای حرف مشترک «غ» هستند. بر پایه‌ی واژه‌نامه‌ی کتاب درسی، در همه‌ی گزینه‌ها مترادف سه واژه‌ی ذکرشده، حرف مشترک مشخص شده را دارند، به جز گزینه‌ی

- (۱) درست، احاطه‌کردن، کوشا «ص»
(۲) اتاق، پیداشدن، پاسخ‌دادن «ج»
(۳) نیروهای عراقی، کار خوب، پابرجا «ث»
(۴) آگاه باش، نابودی، ناتوان «ز»

۱۴- با توجه به معنی، حرف‌های کدام گزینه مناسب نقطه‌چین‌ها در کلمه‌های زیر است؟

«...رزار: پافشاری / ...سواب: درست / ...جره: غرفه / فرو...: روشنی»

- (۱) ص - ص - ح - غ
(۲) س - ص - ه - غ
(۳) ص - س - ح - ق
(۴) س - س - ه - ق

۱۵- نوع ترکیب اجزای کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سزاوار (۲) سپاس‌گزار
(۳) سپاس‌دار (۴) دروغ‌آزما

۱۶- در کدام گزینه انتخاب کلمه از نظر املايي درست است؟

- (۱) آن گاه با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد و او را سپاس (می‌گذارد - می‌گزارد) و بدین‌سان خان سوم به پایان می‌رسد.
- (۲) رستم بیدار می‌شود؛ به کمک رخش با اژدها نبردی (سحمتگین - سهمگین) می‌کند و او را می‌کشد.
- (۳) پس از کمی گفت‌وگو، رستم به (حیله‌گری - حیلگری) او پی می‌برد و برای پیروزی بر او خدا را یاد می‌کند.
- (۴) (هفت خان - هفت خوان) نام هفت مرحله از نبردهای رستم با نیروهای اهریمنی و گذشتن از دشواری‌ها است.

۱۷- در کدام گزینه در میان گروه‌واژگان، همه‌ی واژگان از نظر املايي درست است؟

- (۱) طعام و غذا - طبع و ذات - حجره و غرفه
- (۲) غنیمت و فرصت - غلبه و چیره‌گی - غفلت و بی‌خبری
- (۳) صخره و کوه - قافل و فراموشکار - علیم و فاضل
- (۴) مایع و مقدار - قید و بند - قیامت و محشر

۱۸- حروف کدام گزینه به ترتیب مناسب جای نقطه‌چین‌ها در کلمه‌های زیر است؟

«م...تمع - ن...مه - مش...ت - مبا...ات»

- (۱) س - غ - ق - ه (۲) ص - غ - ق - ح (۳) س - ق - غ - ه (۴) ص - غ - ق - ه

۱۹- کدام‌یک از شخصیت‌های زیر در هفت خان، به دست رستم کشته نمی‌شود؟

- (۱) ارژنگ‌دیو (۲) اولاد (۳) دیو سپید (۴) پیرزن جادو

۲۰- کلمه‌های افتاده از بیت‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--|--|
| همه با هم برادر | همچو جسم با جانیم |
| اشرف و انجب تمام ملل | قدیم دورانیم |
| گر رسد دشمنی برای وطن | رایگان بیفشانیم |
| (۱) و خویشیم - متحد - یادگار - جسم و جان | (۲) وطنیم - مهربان - پاسدار - جان و دل |
| (۳) وطنیم - مهربان - یادگار - جان و دل | (۴) میهن - متحد - شاهدان - جان و تن |

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- **گزینه‌ی ۲** شاعر در این مصراع، زیادی و کثرت لطف خدا در مورد خود را با بیان این‌که در رحمت او غرق و غوطه‌ور است، بیان می‌کند.
- ۲- **گزینه‌ی ۳** در بیت پرسش، نتیجه‌ی علم بی‌عمل را نادانی دانسته است؛ تنها در گزینه‌ی (۳) به این معنی اشاره شده که علم بی‌عمل، جاهلی (نادانی) است.
- ۳- **گزینه‌ی ۲** معنی بیت پرسش چنین است: پس از دشواری، حتماً آسانی خواهد آمد؛ ولی انسان باید پایداری و صبر بورزد.
- ۴- **گزینه‌ی ۲** عبارت گلستان حکایت از آن دارد که هر چیزی باید خود نشان‌دهنده‌ی هنر و خاصیت خویش باشد، نه این‌که به کلام درباره‌ی آن تعریف شود. عطر خوب آن است که خودش بوی خوشی داشته باشد نه این‌که عطر فروش درباره‌ی آن تبلیغ و تعریف کند. همین‌گونه است، تفاوت آدم دانا، که بی‌هیچ حرف و حدیثی با نشان دادن توان و هنر، خود را معرفی می‌کند؛ در مقابل، نادان فقط با تعریف و خودستایی می‌خواهد خود را معرفی کند.
- ۵- **گزینه‌ی ۲**
- ۶- **گزینه‌ی ۲** در این گزینه، «روز و شب» و «آسان و دشوار» تضاد دارد.
- ۷- **گزینه‌ی ۲** در هر سه بیت، بین کلمه‌های «دوست» و «دشمن» تضاد وجود دارد.

- ۸- گزینه‌ی ۳
- در سه گزینه‌ی دیگر «شیخ» مناداست، جز این گزینه که نقش «نهاد» دارد.
- ۹- گزینه‌ی ۴
- این ترکیب وصفی است؛ گزینه‌های دیگر، ترکیب اضافی است.
- ۱۰- گزینه‌ی ۲
- در این گزینه «ننگ + ین» است؛ ولی در گزینه‌های دیگر، پسوند «گین» است: سهم + گین؛ شرم + گین؛ خشم + گین.
- ۱۱- گزینه‌ی ۳
- در گزینه‌های دیگر واژگان «می‌سَر، دراز، بیدار و تازه» مسند است.
- ۱۲- گزینه‌ی ۴
- در این گزینه کوشا معادل «ساعی» است که حرف «ص» در آن نیست؛ درست: صواب، احاطه کردن: محاصره.
- ۱۳- گزینه‌ی ۱
- گزینه‌ی (۲): اتاق: حجره، پیداشدن: تجلی، پاسخ دادن: اجابت / گزینه‌ی (۳): نیروهای عراقی: بعثی، کار خوب: ثواب، پابرجا: ثابت / گزینه‌ی (۴): آگاه باش: زینهار، نابودی: زوال و ناتوان: زار.
- ۱۴- گزینه‌ی ۱
- اصرار، صواب، حجره، فروغ.
- ۱۵- گزینه‌ی ۱
- این گزینه مشتق است؛ یعنی: یک بخش معنی دار + وند. گزینه‌های دیگر مرگب است؛ یعنی هر دو بخش تشکیل دهنده دارای معنی است: سپاس + گزار (ریشه‌ی فعل گزاردن)؛ سپاس + دار (ریشه‌ی فعل داشتن)؛ دروغ + آزما (ریشه‌ی فعل آزمودن).
- ۱۶- گزینه‌ی ۴
- ۱۷- گزینه‌ی ۱
- املا‌ی درست واژگان در گزینه‌های دیگر: چیرگی، غافل و مایه.
- ۱۸- گزینه‌ی ۱
- مستمع، نغمه، مشقت، مباحثات.
- ۱۹- گزینه‌ی ۲
- «اولاد» به دست رستم اسیر می‌شود و به شرط نشان دادن محلّ دیو سپید، از مرگ می‌رهد.
- ۲۰- گزینه‌ی ۳